

سُورَةُ الْفَالِقِ الْحَجَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ١
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ٣
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ٥
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ٦ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ٧

سُورَةُ الْبَقَرَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم ۝ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى
لِّلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ
يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى
مِّن رَّبِّهِمْ ۝ وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝



امشب در تهنیتی غذا به مادرم کمک کردم و سفره را پهن کردم.
بعد از شام، مادر رو به من می‌کند و می‌گوید: «سحر! می‌دانی فردا چه
روزی است؟»
کمی فکر می‌کنم و می‌گویم: فردا روز اول ماه رمضان است.
- اقا برای تو یک روز دیگر هم هست.
- چه روزی؟



- روز تولدت. نُه سال پیش، تو در چنین شبی، هنگام سحر به دنیا آمدی و نامت را سحر گذاشتیم.

در این هنگام، مادر هدیه‌ای به دستم می‌دهد و می‌گوید:

«یک سجّاده‌ی زیبا برایت خریده‌ام تا از این به بعد نمازهایت را روی آن بخوانی.

یک سجّاده هم برای برادرت سعید گرفته‌ام تا او هم کم‌کم نماز خواندن را تمرین کند.»

پدر می‌گوید: «دخترم، در چه ماه خوبی به دنیا آمده‌ای؛ ماه مهمانی خدا!»

سعید با خوش‌حالی سجّاده‌اش را باز می‌کند و از پدر می‌پرسد: «ماه رمضان چه فرقی با ماه‌های دیگر دارد؟»

پدر می‌گوید: «در این ماه، مردم بیشتر از ماه‌های دیگر عبادت می‌کنند، در مسجد جمع می‌شوند و با خواندن نماز و قرآن با خدا سخن می‌گویند؛

درست مثل یک مهمانی بزرگ!

بعضی شب‌ها هم مردم تا سحر بیدار می‌مانند و دعا می‌کنند.»

مادر ادامه می‌دهد: «در این ماه، روزه‌داران بیشتر به فکر نیازمندان هستند و برای آن‌ها غذا و لباس تهیه می‌کنند. در مساجد و خانه‌ها،

سفره‌های افطار پهن می‌شود و مردم با صمیمیت و مهربانی از یکدیگر پذیرایی می‌کنند.»

سعید می‌گوید: «من هم دوست دارم مثل سحر فردا روزه بگیرم!»

پدر دستی بر سر او می‌کشد و می‌گوید: «روزه برای تو واجب نیست، ولی اگر دوست داری، می‌توانی بعضی روزها را روزه بگیری.»

مادر می‌گوید: «حالا زودتر بخوابید تا بتوانید

برای خوردن سحری بیدار شوید.»



بدانیم

ماه رمضان، ماه بزرگ خداست و خداوند در این ماه پاداش‌های فراوانی به بندگانش می‌دهد. ماهی که همه‌ی مسلمانان برای انجام فرمان خدا روزه می‌گیرند. پیش از اذان صبح از خواب برمی‌خیزند، سحری می‌خورند و از اذان صبح تا اذان مغرب از خوردن و آشامیدن دوری می‌کنند. البته خدای مهربان به بیماران و کسانی که توانایی روزه گرفتن در ماه رمضان را ندارند، اجازه داده است تا ماه رمضان سال بعد، هر زمان که توانستند روزه بگیرند.

کامل کنید

با شنیدن نام ماه رمضان به یاد چه چیزهایی می‌افتی؟
آن‌ها را در جاهای خالی یادداشت کن و برای هر یک جمله‌ای بنویس.

- من همراه پدر و مادرم هنگام سحر بیدار شدم و سحری خوردم.
- ثواب عبادت در شب قدر از سایر شب‌های ماه رمضان بیشتر است.
- ما در شب شهادت امام (ع) و شب قدر در مسجد بودیم.

سحر:

شب قدر:

امام علی (ع):

دوست دارم

در ماه مهمانی خدا،
بتوانم روزه بگیرم و عبادت خداوند را بجا بیاورم و از خدا توفیق بندگی اش را
بخواهم.

نیازمندان

بیماران

سنّ تکلیف

ماه رمضان

شب قدر

روزه داران

• ثواب عبادت در آن شب، از سایر شب‌های ماه رمضان بیشتر است.

• روزه‌داران به فکر آن‌ها هستند.

• در این ماه، خدا بیشتر از ماه‌های دیگر به بندگانش پاداش می‌دهد.

• از اذان صبح تا اذان مغرب چیزی نمی‌خورند.

• تا رمضان سال بعد فرصت دارند روزه‌های خود را بگیرند.

• سحر از امسال، روزه‌های خود را به صورت کامل می‌گیرد.

کامل کنید

حرف اوّل پاسخ های زیر را به هم بچسبان تا جمله را کامل کنی.

- ۱- نام دختر پیامبر اسلام است: **فاطمه**
- ۲- گلی که نشانه‌ی شهیدان است: **لاله**
- ۳- یک وعده‌ی غذایی که در ماه رمضان قبل از اذان صبح می‌خوریم:
..... **سحری**
- ۴- وقتی خورشید **طلوع** می‌کند، وقت نماز صبح به پایان می‌رسد.
- ۵- پیامبری که در کودکی به چاه انداخته شد: **یوسف**
- ۶- ظهر جمعه در همه‌ی شهرها به صورت جماعت خوانده می‌شود:
..... **نماز**

امام خمینی (رحمة الله عليه):

«ما باید **فلسطین** را آزاد کنیم.»

مدرسه‌ی رمضان

زنگ اوّل، سحری
شادی اوّل ماه
آسمان، ناز و قشنگ
چشم‌ها، غرق نگاه

زنگ دوم، روزه
درس زیبای ادب
دیدن و لب نزدن
از سحر تا سر شب

زنگ سوم، قرآن
باغ زیبای خدا
بوی گل، بوی بهار
لحظه لحظه، همه جا

زنگ چهارم، افطار
چای، نان، خرما، قند
سفره‌ها، شادی بخش
چهره‌ها، پُر لبخند

سید محمّد مهاجرانی

